



## یادداشت سردبیر

بیشتر این «کتابخانه های مرکزی دانشگاه» مجموعه‌هایی بسیار کوچک و گاه ناچیز دارند. هر چند مجموعه بزرگ‌ترین آنها (دانشگاه تهران) کمی بیش از نیم میلیون جلد است و این رقم همراه با مجموعه ۲۹ کتابخانه دانشکده‌ای و اقماری این دانشگاه (که به حدود ۳ میلیون جلد می‌رسد) مجموعه هنگفت و قابل توجهی را تشکیل می‌دهند؛ اما مجموعه اندک برخی کتابخانه های مرکزی دیگر، اعتبار آنها را در مقام «کتابخانه مرکزی دانشگاه» زیر سؤال می‌برد. حدود نیمی از آنها مجموعه ای کمتر از ۵۰۰۰۰ جلد دارند، فضای اختصاصی آنها نیز از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ متر، و تعداد کارکنانشان نیز بین ۲ تا ۱۰۲ کارمند در نوسان است.

همه این کتابخانه‌ها در ابتدا در مقام کتابخانه مرکزی تأسیس نشده‌اند؛ از سوی دیگر برخی از آنها، به قصد مرکزیت دادن کتابخانه ها در دانشگاه ایجاد شدند، که بعدها از آن قصد

«کتابخانه های مرکزی» در دانشگاه های ایران پدیده‌هایی نسبتاً جدید هستند. در دانشگاه تهران، قدیم‌ترین دانشگاه کشور، کتابخانه مرکزی در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد؛ یعنی ۳۷ سال پس از تأسیس نخستین کتابخانه دانشکده‌ای آن دانشگاه (کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی) که سال ۱۳۱۸ تاریخ ایجاد آن اعلام شده است.

بر پایه یکی از آخرین گزارش‌ها<sup>۱</sup> و پژوهش دفتر دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، در ایران ۶۷ کتابخانه دانشگاهی با وصف «مرکزی» وجود دارد که نخستین آنها، کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، در سال ۱۳۳۷ و آخرین آنها، کتابخانه مرکزی دانشگاه خلیج فارس، در ۱۳۷۲ تأسیس شده‌اند. از این شمار، ۱۵ کتابخانه، تنها کتابخانه موجود در دانشگاه خود هستند، و بقیه بین ۱ تا ۲۹ کتابخانه دانشکده‌ای یا وابسته دارند.

عدول شده است.

مانند بسیاری از کتابخانه‌های ایران، شمار زیادی از کارکنان کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها، از جمله رئیس‌ان آنها، دانش‌آموختگان کتابداری یا مدیریت (به بیان دیگر: حرفه‌ای) نیستند و حتی تجربه مدیر بودن را هم نداشته‌اند. بسیاری از این رئیس‌ان «تمام وقت» نیز نیستند، بلکه یکی از «اعضای محترم هیئت علمی» دانشگاه هستند که برای به دست آوردن شرایط ارتقاء شغلی در دانشگاه پست «ستاره دار» ریاست کتابخانه مرکزی راه، در کنار و حتی چه بسا در تعارض با مشغله‌های مرتبط تر با علائق حرفه‌ای و رشته‌ای، نظیر تدریس و تحقیق، می‌پذیرند. از این رو، بی‌ربط نیست اگر فرض کنیم که این «پست» تا زمانی برایشان جذابیت دارد که بتوانند از امتیاز آن برای ارتقاء شغلی بهره‌برند. «ابزاری بودن» انگیزه پذیرش ریاست کتابخانه مرکزی توسط اعضای هیئت علمی غیرمتخصص می‌تواند پیامدهایی منفی برای پیشرفت این کتابخانه‌ها داشته باشد.

متأسفانه در متون کتابداری فارسی، تعریف دقیقی از رسالت، مسئولیت، و وظایف کتابخانه‌های مرکزی در کشور ما ارائه نشده است و حتی بررسی کلی یا انفرادی هم از آنها انجام نشده است. ارتباط سازمانی و خدماتی این کتابخانه‌ها با دیگر کتابخانه‌های آن دانشگاه بسیار اندک و یا مبهم است و بیشتر کتابخانه‌های مرکزی در عمل به مثابه کتابخانه‌ای مستقل در دانشگاه فعالیت دارند. دانشکده‌ای بودن نظام خدمات کتابخانه‌ای در دانشگاه‌های ایران و در عین حال حضور کم و بیش بی‌استثنای «کتابخانه مرکزی» در آنها، این سؤال‌ها را به ذهن متبادر می‌کند که: سبب تأسیس این کتابخانه‌ها چه بوده؛ و چه کارکرد ویژه‌ای از آنها انتظار می‌رفته و می‌رود؟ این کتابخانه‌ها تا چه حد توانسته‌اند مقصودها را برآورده کنند؟ آیاترتیبات حاکم بر تأسیس و اداره خدمات کتابخانه‌ای در دانشگاه‌های ما کارا ترین و اقتصادی‌ترین است؟

پاسخ این سؤال‌ها در صورتی که مبتنی بر پژوهش و

بررسی باشد، می‌تواند توسعه خدمات کتابداری در دانشگاه‌های ما را نوید دهد و چشم‌اندازی را به سوی بهبودی بگشاید.

در امریکای شمالی، از دیرباز (۱۹۷۳) «انجمن کتابخانه‌های پژوهشی»<sup>۲</sup> دفتر کوچکی به نام «مرکز مبادله نظام‌ها و رویه‌ها»<sup>۳</sup> ایجاد کرده است که کار آن گردآوری اطلاعات از ۱۲۳ کتابخانه پژوهشی عضو انجمن درباره سیاست‌ها، نحوه اجرایی کردن آنها و عملکرد آنهاست. نتایج هر پیمایش و تصویر اسناد حاوی طرز عمل‌ها و سیاست‌های کتابخانه‌های عضو در جزواتی منتشر می‌شود و در اختیار قرار می‌گیرد. مدیران و کارشناسان کتابخانه‌های علاقه‌مند با مطالعه یافته‌ها و اسناد سایر کتابخانه‌ها، به چاره‌اندیشی برای حل مسائل خود با ایجاد نظام‌ها و طرز عمل‌های جدید، یا اصلاح نظام‌ها و طرز عمل‌های موجود می‌پردازند (از این جزوه‌ها تا این زمان ۲۹۱ شماره منتشر شده است. فهرست و متن کامل شماره‌های ۲۰۰ به بعد این جزوه‌ها را می‌توان در نشانی زیر یافت:

(<http://www.arl.org/spec/completed.htm>)

در یکی دو دهه اخیر افزایش سریع کتابخانه‌های دانشگاهی در کشور ما و منابع روزافزونی که از بودجه عمومی صرف آنها می‌شود، اقتضا می‌کند که برای حل پیچیدگی‌های موجود و حرکت به سوی شفاف‌سازی سیاست‌ها و بهینه‌سازی سازمان‌ها، تدابیری مشابه اتخاذ شود و سیاست‌ها و نحوه عملکرد این کتابخانه‌ها بررسی گردد.

در نبود نهادهایی مانند «انجمن کتابخانه‌های پژوهشی» در ایران، شاید کتابخانه ملی ج. ا. ایران، به اقتضای مأموریتی که قانون مصوب ۱۳۶۹ برای آن قائل شده است، بیش از هر نهاد دیگری شایستگی این کار را داشته باشد. این امر با افزایش چشم‌گیر توان پژوهشی، تسهیلات مادی، و منابع مالی کتابخانه ملی بیش از پیش ممکن به نظر می‌رسد.

ابراهیم افشارزنجانی

2. ARL = Association of Research Libraries

3. SPEC = Systems and procedures Exchange center